




China's mediation strategy in foreign policy; a case study of China's mediation in Iran- Saudi relations (2023)

Rauf rahimi

Assistant Professor, Department of political sciences, Faculty of humanities, University of Bojnord, North Khorasan, Iran.


Email: r.rahimi@ub.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Bahareh Sazmand

Associate Professor, Department of Regional studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: bsazmand@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

China's role as a mediator between Saudi Arabia and Iran was surprising to many observers, because until recently, Beijing avoided from interference in prominent events on the world stage. China would prefer not to assume the responsibility of controlling threats to stability and give the UN an observer role in global events. Chinese mediation was new and clear evidence that Beijing has turned from Deng Xiaoping's principle of staying in the background diplomacy to the more active diplomacy of a great power. The aim of the current research which is done with explanatory research method, is to investigate the role of China in mediating between Iran and Saudi Arabia based on Simon's decision-making theory related to risk management. Therefore, the basis of the questions of the current research is that why did Iran and Saudi Arabia choose China as a trusted and effective mediator? In response, this hypothesis is proposed that China's advantage for Iran and Saudi Arabia lies in its diplomatic paradigm, which includes avoiding taking one side; trying to bring both sides closer to each other; ability to use increasing geo-economic influence and refrain from resorting to force in regional affairs. The aim of this approach is to provide a new method for China's participation in regional peace affairs. The results of the research indicate that the success of China's mediation can be attributed to Beijing's diplomatic approach of non-commitment and non-intervention, which is based on China's neutral image between Iran and Saudi Arabia and its long-term accumulation of economic ties. This approach of China is considered as "the power of not using power".

Keywords: Mediation, Agreement, Risk management strategy, Persian Gulf region, National interests.



راهبرد میانجی‌گری چین در سیاست خارجی؛ مطالعه موردی میانجی‌گری چین در روابط ایران و عربستان (۲۰۲۳)

رئوف رحیمی

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بجنورد، خراسان شمالی، ایران.

Email: r.rahimi@ub.ac.ir

ORCID: 0000-0000-0000-0000

بهاره سازمند

دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: bsazmand@ut.ac.ir

ORCID: 0000-0000-0000-0000

چکیده

نقش چین به‌عنوان میانجی‌گر بین عربستان و ایران برای بسیاری از ناظران غافلگیرکننده بود؛ زیرا تا همین اواخر، پکن از دخالت در رویدادهای برجسته در صحنه جهانی اجتناب می‌کرد. چین ترجیح می‌داد تا مسئولیت کنترل تهدیدات علیه ثبات را برعهده نگیرد و به سازمان ملل نقش ناظر در حوادث جهانی بدهد. میانجی‌گری چین شاهد جدید و واضحی بود که نشان می‌دهد، پکن از اصل دیپلماسی دنگ شیائوپینگ مبنی بر «درپس‌زمینه ماندن» به دیپلماسی فعال‌تر یک قدرت بزرگ روی آورده است. هدف پژوهش حاضر که با روش پژوهش تبیینی انجام می‌شود بررسی نقش چین در میانجی‌گری بین ایران و عربستان بر اساس نظریه تصمیم‌گیری مرتبط با مدیریت ریسک سایمون است. بر این اساس سؤال پژوهش حاضر این است که چرا ایران و عربستان چین را به‌عنوان میانجی مورد اعتماد و مؤثر انتخاب کردند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که مزیت چین برای ایران و عربستان در پارادایم دیپلماتیک آن نهفته است که شامل اجتناب از جانب‌داری؛ تلاش برای نزدیک‌کردن هر دو طرف به یکدیگر؛ توانایی استفاده از نفوذ فزاینده ژئواکونومیکی و خودداری از توسل به‌زور است. هدف این رویکرد ارائه روش جدید برای مشارکت چین در امور صلح منطقه است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که موفقیت میانجی‌گری چین را می‌توان به رویکرد دیپلماتیک پکن در عدم تعهد و عدم مداخله نسبت داد که بر تصویر بی‌طرف چین در میان ایران و عربستان و انباشت طولانی‌مدت پیوندهای اقتصادی آن بنا شده است. این رویکرد چین به‌عنوان «توانایی عدم استفاده از قدرت» در نظر گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: میانجی‌گری، توافق، استراتژی مدیریت ریسک، منطقه خلیج فارس، منافع ملی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۴۱-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه روابط خارجی



doi: 10.22034/FR.2024.409983.1425

مقدمه و بیان مسئله

میانجی‌گری یکی از روش‌های حل اختلاف است که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به طرفین اختلاف در رسیدن به توافق کمک می‌کند؛ اما در صورت دستیابی به توافق، مفاد آن نیز معمولاً از سوی خود طرفین تعیین می‌شود. نقش میانجی‌گری چین بخشی از استراتژی مدیریت ریسک است که با دقت طراحی شده است و با سیاست عدم‌مداخله و عدم‌تعهد این کشور مطابقت دارد. چین یاد گرفته است که از «مشارکت خلاقانه» برای تضمین نتایج مطلوب خود استفاده کند. با تلاش آمریکا برای چرخش به سمت شرق آسیا، بسیاری از کشورهای منطقه به دنبال کشورهای دیگر خواهند بود تا خلأ میانجی‌گری را پرکنند. چین برای چندین دهه به آرامی روابط خود را عمدتاً از طریق توافق اقتصادی در خاورمیانه گسترش داده است. و میانجی‌گری چین نشان‌دهنده افزایش مشارکت سیاسی و دیپلماتیک چین بوده و روایت سنتی چین به‌عنوان قدرت اقتصادی را به چالش می‌کشد. چین که به‌طور سنتی یک بازیگر دیپلماتیک منفعل بود، در سال‌های اخیر فرصت را غنیمت شمرده تا نقش خود را در میانجی‌گری جهانی امتحان کند. از این‌رو، در اوایل مارس ۲۰۲۳، چین میانجی‌گری توافق میان ایران و عربستان برای عادی‌سازی روابط دیپلماتیک برعهده گرفت. با توجه به اینکه آمریکا به‌طور تاریخی نقطه اصلی نفوذ خارجی در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است، این تحول نشان‌دهنده نفوذ فزاینده چین در منطقه است. چین روابط قوی با ایران و عربستان دارد. عربستان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین است و ایران برای ۳۰ درصد تجارت خارجی خود به چین متکی است. با این حال، روند مذاکره ایران و عربستان از سال ۲۰۲۱ شروع شده بود. مصطفی کاظمی نخست‌وزیر سابق عراق روند مذاکره را تسهیل کرد؛ اما بعد از او نخست‌وزیر جدید سودانی، علاقه چندانی به ادامه نقش عراق به‌عنوان میانجی نشان نداد. او همچنین از اعتماد عربستان به‌اندازه سلف خود برخوردار نبود. عربستان که از این مکث ناامید شده بود، در زمان دیدار رئیس‌جمهور «شی جین پینگ» از ریاض در دسامبر ۲۰۲۲ از او خواست که دولت چین نقش میانجی را برعهده بگیرد. شی پیام ریاض را به تهران منتقل کرد و ایران پیشنهاد چین را پذیرفت. در فوریه ۲۰۲۳، ابراهیم رئیسی به چین سفر کرد و با شی جین پینگ دیدار کرد. ایران پیشنهاد عربستان برای ازسرگیری روابط را قابل قبول دانست. شمخانی، دبیر سابق شورای امنیت ملی، در ۵ مارس ۲۰۲۳ به پکن سفر کرد تا در دیدارهای سه‌جانبه با وانگ یی، مشاور دولتی و وزیر امور خارجه سابق چین و مساعد بن محمد العیبان، مشاور

امنیت ملی عربستان، مفاد توافق را نهایی کنند. این توافق پتانسیل کمک به کاهش تنش‌های منطقه‌ای به‌ویژه در یمن را دارد و نشان‌دهنده تمایل چین برای ایفای نقش فعال‌تر به‌عنوان یک میانجی بین‌المللی است. با توجه به واقعیت‌های مذکور، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چرا ایران و عربستان چین را به‌عنوان میانجی مورد اعتماد و مؤثر انتخاب کردند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که مزیت چین برای ایران و عربستان در پارادایم دیپلماتیک آن، که شامل اجتناب از جانب‌داری؛ تلاش برای نزدیک کردن هر دو طرف به یکدیگر؛ توانایی استفاده از نفوذ فزاینده ژئواکونومیکی چین و خودداری این کشور در استفاده از زور در امور منطقه نهفته است. هدف این رویکرد ارائه روش جدید برای مشارکت چین در امور صلح منطقه است. مقاله حاضر، از منابع چندگانه دربرگیرنده بیانیه رسمی دولت چین، ایران و عربستان و همچنین برای درک عمیق‌تر نقش چین در میانجی‌گری بین ایران و عربستان به منابع موجود از جمله مقاله‌ها، گزارش‌ها و استفاده از نظر کارشناسان استناد کرده است تا موضوع از زوایای مختلف بررسی و به سؤال اصلی پژوهش در چند بخش پاسخ داده شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات صورت‌گرفته در ایران درباره چین، محدود به ظهور چین به‌عنوان قدرت بزرگ اقتصادی، منافع چین در منطقه خاورمیانه و اصول سیاست خارجی این کشور در قبال ایران است و بیشتر مربوط به حوزه اقتصادی است؛ هرچند قابلیت‌های چین برای ایفای نقش سیاسی هم مثلاً در سوریه بیان شده است. در نتیجه پژوهشگران کشور به دلیل جدید بودن موضوع از پرداختن به موضوع میانجی‌گری چین بین ایران و عربستان بازمانده‌اند. مقالات انگلیسی منتشرشده نیز بیشتر در چهارچوب نظریه نوواقع‌گرایی به موضوع پرداخته‌اند و بیشتر مسائل امنیتی در روابط ایران و عربستان را برجسته نموده‌اند. نوآوری مقاله حاضر این است که نشان می‌دهد چگونه با افزایش قدرت چین مسئولیت این کشور در مناقشات بین‌المللی افزایش خواهد یافت. یکی از برجسته‌ترین مسئولیت‌های بین‌المللی که چین در حال حاضر برعهده گرفته است ایفای نقش میانجی‌گری در مناقشات محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. میانجی‌گری چین ممکن است با تعریف دقیق عدم‌مداخله در تضاد باشد؛ اما دولت چین هرگز اعلام نخواهد کرد عدم‌مداخله را کنار گذاشته است. اختلافات و بی‌ثباتی‌های جهانی و منطقه‌ای چین را به‌عنوان یک قدرت بزرگ وادار می‌کند که

درگیری‌های مختلف مداخله دیپلماتیک کند تا از منافع تجاری، شهروندان، تأمین انرژی و دارایی‌های خود در سطح منطقه و جهان محافظت کند. مقاله حاضر گامی به‌سوی ارتقای مطالعات درزمینه میانجی‌گری چین و دلایل روی آوردن ایران و عربستان به‌سوی چین است که می‌تواند غنای ادبیات نظری را بهبود ببخشد؛ ادبیات پیشین را توسعه و پیشنهادهایی را نیز ارائه دهد؛ بنابراین برخی از پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع به شرح زیر است:

حسین نوروزی و سرور سوری (۱۴۰۲) معتقدند که نگرش و سیاست خارجی چین در راستای بحران اوکراین معطوف به احتیاط در تداوم رشد اقتصادی و تثبیت ظهور؛ تداوم همکاری با روسیه و آمریکا و درنهایت هماهنگی با روسیه برای آرام کردن فضای متشنج و برهم نخوردن موازنه بین‌المللی بوده است. علی‌اکبر جعفری و مهرداد فلاح (۱۴۰۲) این استدلال را مطرح می‌کنند که چین با حضور فعال در آسیای مرکزی و ایجاد نظم چین‌محور در این منطقه از طریق سیاست کمربند و راه، موازنه منطقه‌ای علیه روسیه را شکل داده است. محمدرضا دهشیری و محمد محمودی‌کیا (۱۴۰۰) نتیجه گرفته‌اند که الگوی کنش سیاست خارجی چین در قبال ایران اتخاذ سیاست بی‌طرفی فعال و میانجی‌گری بوده است. عنایت‌الله یزدانی و بهار اخوان (۱۳۹۹) معتقدند چین می‌تواند به‌عنوان یک میانجی‌گر موفق و فعال در حل منازعات خاورمیانه ایفای نقش کند. سید جلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی فرازی (۱۳۹۰) معتقدند که خیزش چین در نظام بین‌الملل سبب شده تا این کشور برای افزایش منافع ملی به گسترش نقش خود در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه بپردازد. «مردخای چازیزا»^۱ (۲۰۱۳) نتیجه گرفته است که چین از دهه اول قرن بیست‌ویکم تلاش‌های میانجی‌گری خود را در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین گسترش داده و به دنبال این است که بخشی از فرایندهای اصلی در روند صلح خاورمیانه باشد تا ارزش‌ها و منافع خود را پیش ببرد. «آنکیت پاندا»^۲ (۲۰۱۴) نتیجه گرفته که دیپلماسی مدیریت منازعه چین طیفی از تلاش‌های دیپلماتیک، از جمله گفت‌وگوهای چندجانبه با کشورهایمانند افغانستان، سازمان همکاری شانگهای، گفت‌وگوی ۶+۱ سازمان ملل و روند استانبول، مسیرهای دیپلماتیک دوجانبه با کابل، پاکستان و ایالات متحده بوده است. «یورام اورون»^۳

1. Mordechai Chaziza
2. Ankit Panda
3. Yoram Evron

(۲۰۱۷) هم در مقاله خود معتقد بود که در سال ۲۰۱۷ پکن به‌عنوان یک میانجی در پیشبرد گفت‌وگوهای صلح میان دولت سوریه مخالفان نقش مهمی ایفا کرد. بنجامین هوتون (۲۰۲۲) هم در مقاله خود به استراتژی موازنه چین بین ایران و عربستان پرداخته است. «تینگ‌تینگ ژانگ و دهو وانگ»^۱ (۲۰۲۱) هم به همکاری نفتی چین و خلیج فارس تحت ابتکار پهنه و راه پرداخته‌اند و در نهایت مریم نواز و همکاران (۲۰۲۳) هم معتقدند که نزدیکی ایران و عربستان با میانجی‌گری چین به معنای پیشرفت بالقوه در کاهش درگیری و برقراری ثبات در منطقه است.

۲. چهارچوب نظری

«هربرت الکساندر سایمون»^۲ به‌عنوان سیاستمدار، جامعه‌شناس، روانشناس، اقتصاددان و دانشمند اهل آمریکا و استاد دانشگاه کارنگی ملون بود که تحقیقات زیادی در زمینه مدیریت، اقتصاد و علوم رایانه‌ای انجام داد. او یکی از تأثیرگذارترین دانشمندان علوم اجتماعی در قرن بیستم بود. سایمون از پیشگامان حوزه‌های مدرنی از جمله هوش مصنوعی، پردازش اطلاعات، تصمیم‌گیری، حل مسئله، نظریه سازمانی و سامانه‌های پیچیده بود. (Sent, 2017, p.370). از نظر سایمون آنچه محیط نامیده می‌شود به نیازها و محرک‌ها یا اهداف انسان و دستگاه ادراکی آن بستگی دارد. او معتقد است، برخی از ویژگی‌های ساختاری را که در محیط‌های روانی انسان عادی هستند، شناسایی کرده و مشاهده کرده است که انسان در محیطی با این ویژگی‌ها تنها به مکانیسم‌های ادراکی و انتخابی بسیار ساده نیاز دارد تا نیازهای متعدد خود را برآورده کند. از نظر او تحلیلی که مطرح کرده است سودمندی نظریه‌های اقتصادی و آماری کنونی رفتار عقلانی را به‌عنوان پایه‌ای برای تبیین ویژگی‌های عقلانیت انسان را مورد تردید قرار می‌دهد. او معتقد است رویکردی جایگزین برای توصیف رفتار عقلانی پیشنهاد کرده است که ارتباط نزدیک‌تری با نظریه‌های روان‌شناختی ادراک و شناخت دارد (Simon, 1956, pp.130-131). بنابراین، سه برداشت در مورد عقلانیت محدود وجود دارد: برداشت اول عقلانیت محدود را مطالعه بهینه‌سازی همراه با یکسری از محدودیت‌ها تعریف می‌کند که فرد همچنان به دنبال یافتن بهترین گزینه است. برداشت دومی که از عقلانیت محدود وجود دارد این است که افراد به خاطر محدودیت‌های شناختی قادر نیستند به پاسخ بهینه دست یابند. در سومین دیدگاه

1. Tingting Zhang · Dehua Wang
2. Herbert Alexander Simon

که بیشتر مورد نظر هربرت سایمون نیز هست این سؤال مطرح می‌شود که افراد زمانی که بهینه‌سازی ناممکن باشد، چگونه تصمیم می‌گیرند؟ به این ترتیب، بهینه‌سازی به‌عنوان راه تصمیم‌گیری به‌طور کلی، کنار گذاشته می‌شود. در این شرایط ابزار تصمیم‌گیری انسان‌ها چه خواهد بود؟ در این دیدگاه دیگر فرد تصمیم‌گیرنده به جای تصمیم بهینه به دنبال تصمیم رضایت‌بخش است و در این راه به جای استفاده از مدل‌های پیچیده تصمیم‌گیری، اغلب از تجربیات گذشته و قواعد سرانگشتی بهره می‌برد. نتایج تحقیقات سایمون و همکارانش نشانگر آن است که این نوع تصمیم‌گیری علاوه بر سرعت عمل، حتی، از نظر دقت و نتیجه نیز از بهینه‌یابی بهتر عمل می‌کند (Campitelli & Gobet, 2010, p.354).

رویکرد سایمون همچنین بر محدودیت‌های سیستم شناختی و تغییر فرایندهای دخیل در تصمیم‌گیری تأکید داشت. از جمله محدودیت‌های رایج که خود هدف محاسبه عقلانی نیستند عبارت‌اند از:

۱. مجموعه گزینه‌های باز برای انتخاب؛

۲. روابطی که سود را تعیین می‌کنند؛

۳. اولویت‌بندی‌ها در میان پرداخت (Simon, 1955, p.100).

نظریه تصمیم‌گیری، نظریه‌ای است که نشان می‌دهد افراد منطقی چگونه باید تحت تاثیر ریسک و عدم اطمینان رفتار کنند. این نظریه پرداز استدلال کرد که تصمیم‌گیری، انتخاب بین مسیرهای عمل جایگزین است. حتی می‌تواند به معنای انتخاب بین عمل و عدم عمل باشد. (Alijoyo, 2021, p.4). چگونه این نظریه با مفهوم مدیریت ریسک مرتبط است؟ ریسک طبق تعریف اثر عدم قطعیت بر اهداف است. مدیریت ریسک عبارت است از فعالیت‌های هماهنگ برای هدایت و کنترل یک سازمان در مورد ریسک. چنین فعالیت‌هایی با تصمیم‌گیری شروع می‌شود و به دنبال آن مجموعه‌ای از اقدامات انجام می‌شود. باید با عدم قطعیت‌ها مقابله کرد، زیرا بین زمانی که تصمیم گرفته می‌شود و زمانی که نتیجه تصمیم حاصل می‌شود، فاصله زمانی وجود دارد. در این صورت ممکن است خطراتی وجود داشته باشد که افراد را از دستیابی به هدف بازدارد (Roehrich, et al 2014, p.1). نتایج رضایت‌بخش در تصمیم‌گیری عقلانی محدود از طریق دستیابی به اطلاعات بیشتر حاصل می‌شود. (Wheeler, 2020, pp.11-12). محققان استراتژی مدیریت ریسک در ادبیات روابط بین‌الملل تمایل دارند این مفهوم را در ارتباط با مفاهیم واقع‌گرایانه موازنه‌سازی و ائتلاف‌سازی تفسیر کنند (Ciorciari and Haacke, 2019, p.8).

آن‌ها عموماً مدیریت ریسک را درجایی در امتداد طیفی بین این دو مفهوم می‌بینند. محققان تمایل دارند فرض کنند که آیا دولت‌های کوچک‌تر سعی می‌کنند با دولت‌های قدرتمندتر متحد شوند یا موازنه‌ای در برابر آن‌ها در یک اتحاد متقابل ایجاد می‌کنند (Tessman, 2012, pp.1-2). انجام این کار نیازمند مدیریت ریسک است. این امر به‌ویژه در میان کسانی که به دنبال تجزیه و تحلیل رفتار کشورهای جنوب شرقی آسیا هستند، در هنگام مواجهه با انتخاب بین جانبداری از آمریکا هژمونیک یا چین در حال ظهور، صادق است (Roy, 2005, pp.305-306). بنابراین مدیریت ریسک را می‌توان معادل موازنه‌سازی در روابط بین‌الملل فرض کرد. در این مفهوم مدیریت ریسک را می‌توان در روابط چین با کشورهای منطقه خلیج فارس و برعکس به کاربرد؛ زیرا دولت‌های مختلف به دنبال موازنه‌سازی در روابط خود با کشورهای دیگر هستند تا مخاطرات را به حداقل برسانند.

۲-۱. استراتژی مدیریت ریسک چین

استراتژی مدیریت ریسک چین برای محافظت از منافع ملی این کشور در برابر رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی کشورهای شریک در منطقه خلیج فارس و حتی در سطح جهان اتخاذ شده است. از این طریق، پکن به دنبال کاهش فشارهای ناشی از اختلال در تأمین انرژی و شوک‌های اقتصادی بعدی مانند آن چیزی است که اروپا در سال ۲۰۲۲ به دلیل اتکای بیش‌ازحد به گاز روسیه تجربه کرد. چین می‌تواند با استراتژی مدیریت ریسک نفوذ سیاسی نسبت به شرکای متعدد به‌ویژه آن‌هایی که دارای منابع غنی یا اقتصادهای نسبتاً بزرگ هستند، ایجاد کند. بنابراین، مدیریت ریسک را می‌توان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی ابتکار پهنه و راه چین درک کرد (Brown, 2018, pp.2-3). زیرا چین ضمن به دست آوردن منابع، فرصت‌های جدیدی برای شرکت‌های چینی ایجاد می‌کند. بنابراین در چهارچوب این استراتژی، پکن منابع طبیعی از جمله انرژی را از طیف وسیعی از تأمین‌کنندگان به دست می‌آورد. در عین حال، پکن توازن نرم در برابر هژمونی منطقه‌ای آمریکا ایجاد می‌کند (Garlick, 2021, pp.454-455).

۲-۲. میانجی‌گری و سیاست عدم‌مداخله چین

میانجی‌گری جزء لاینفک سیاست خارجی و دیپلماسی است و برگرفته از اهداف دیپلماتیک و سیاسی کشورهاست. میانجی‌ها، مانند دلال‌ها، در تلاش‌های مدیریت

تعارض، برای کسب سود یا پاداش مشارکت دارند (Christopher, 1988, pp.29-34). در تاریخ دیپلماسی میانجی‌گری، چین به‌ندرت نقش میانجی را در امور بین‌الملل ایفا کرده است. از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۴۹، چین به دلایل متعدد از جمله تأکید بر اصل عدم‌مداخله و بهره‌برداری از نقش ناظر بی‌طرف از مشارکت در ابتکارات میانجی‌گری بین‌المللی خودداری کرده بود (Xiaohui & Cheng, 2009, pp.79-84) (باین‌حال، این روند به‌خاطر افزایش جایگاه بین‌المللی چین تغییر کرده است. درک نقش سازنده چین در حل‌وفصل مناقشات منطقه‌ای، مانند شبه‌جزیره کره، آفریقا، آسیای جنوبی و خاورمیانه که تا حدودی تابعی از ظهور مجدد چین به‌عنوان یک قدرت است، مهم است. به‌نحوی که مشارکت تدریجی، گسترده‌تر و عمیق‌تر چین در حل‌وفصل مناقشات خارج از کشور نشان‌دهنده ظهور فرهنگ میانجی‌گری منحصربه‌فرد در این کشور است. (Zhaoxing, 2005, pp.67-68).

۳. رویکرد میانجی‌گری چین در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

بحران‌های مکرر و مداوم در خاورمیانه و شمال آفریقا فرصتی منحصربه‌فرد برای دیپلمات‌های چینی فراهم کرده تا تجربیات خود را در مدیریت و میانجی‌گری چندجانبه بحران جهانی گسترش دهند. توانایی شکل‌دادن به حل‌وفصل مناقشات بین‌المللی در دیدگاه شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در مورد چینی قاطع که مسئولیت‌های بین‌المللی بیشتری را برعهده می‌گیرد، محوری است که نشان‌دهنده وضعیت این کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ است. برای دستیابی به این چشم‌انداز، دیپلمات‌های چینی اکنون بیش از هر زمان دیگری درگیر مذاکرات منطقه‌ای هستند. باین‌حال، با توجه به اینکه مذاکره‌کنندگان چینی تجربه لازم برای حل مناقشه در مناطق را ندارند، این تردید وجود دارد که آیا دخالت پکن می‌تواند به حل مناقشات یا کاهش اختلافات کمک کند یا خیر؟

در حال حاضر، رویکرد دیپلماتیک پکن در خاورمیانه و شمال آفریقا عمدتاً به دیپلماسی مدیریت درگیری، نه حل آن محدود می‌شود. رئیس‌جمهور چین مایل به مشارکت فعال‌تر در امور سیاسی منطقه بوده است. شواهد نشان می‌دهد چین تمایلی به گسترش تلاش‌های میانجی‌گری خود در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ندارد؛ زیرا می‌ترسد در تنش‌ها و مناقشات منطقه‌ای درگیر شود. به‌طور رسمی، چین همچنان به اصل عدم‌مداخله خود پایبند است و بنابراین در امور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار محتاطانه عمل می‌کند. باین‌حال، به‌رغم سیاست رسمی و

اعلامی، این کشور اخیراً در افغانستان، سوریه، درگیری رژیم صهیونیستی و فلسطین و اختلاف عربستان و ایران وارد میانجی‌گری شده است (Scobell and Nader, 2016, pp.4-6) که در ادامه به این موارد پرداخته می‌شود؛

۳-۱. میانجی‌گری و مدیریت منازعه چین در افغانستان

پس از خروج ایالات متحده از افغانستان، پکن نقش میانجی صلح را برای ایجاد صلح و آشتی سیاسی بین دولت افغانستان و طالبان برعهده گرفت. چین از لحاظ سیاسی بیشتر در مدیریت منازعه در افغانستان مشارکت کرد و متعهد شد که کمک‌های اقتصادی خود را افزایش دهد و به افغانستان پس از انتقال به‌عنوان یک کشور صلح‌آمیز و باثبات کمک کند (Xiangyu, 2011, pp.65-72). به‌عنوان بخشی از سیاست عمومی عدم‌مداخله، پکن مراقب بود که مستقیماً در امور داخلی کابل مداخله سیاسی یا نظامی نداشته باشد. در این راستا پکن موافقت کرد که درگیری بین دولت افغانستان و طالبان را مدیریت کند؛ زیرا با چهارچوب سیاست عدم‌مداخله این کشور مطابقت داشت (Szcudlik-Tatar, 2017, pp.11-13). و تأکید داشتند که آشتی سیاسی باید تحت مدیریت و رهبری افغان‌ها انجام شود (Yi, 2015, pp.5-7). در مدیریت درگیری در افغانستان، چین هیچ قصدی برای اعزام نیروهای رزمی یا ایفای نقش امنیتی در افغانستان نداشت (Chéné 2017, pp.2-5). بنابراین تلاش‌های میانجی‌گری پکن در افغانستان بیشتر در جهت حمایت دیپلماتیک از روند آشتی و تعهد اقتصادی عمیق‌تر بوده است (CRI, 2017, pp.12-14).

۳-۲. میانجی‌گری و مدیریت منازعه چین در جنگ داخلی سوریه

فقدان سابقه تاریخی و سیاسی چین در سوریه، این کشور را در موقعیتی قوی قرار می‌داد تا بتواند میانجی مطلوب برای برقراری صلح پایدار در این کشور باشد. در جنگ داخلی سوریه، چین به‌وضوح از حکومت بشار اسد حمایت کرد زیرا فروپاشی حکومت بشار اسد می‌توانست پیامد گسترده‌ای برای کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا داشته باشد و تهدیدی جدی برای منافع چین تلقی شود. زیرا سقوط حکومت بشار اسد جنبش‌های اسلامی رادیکال را تقویت می‌کرد و این امر تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی چین بود. از بسیاری جهات، پکن در موقعیت بهتر نسبت به آمریکا یا روسیه برای ایفای نقش میانجی‌گر صلح بود؛ زیرا از اعتماد دولت سوریه و مخالفان بشار اسد معروف به ائتلاف ملی سوریه برخوردار بود (Evron, 2017, pp.125-128).

مدیریت مناقشه چین در سوریه را می‌توان در تلاش‌های دیپلماتیک زیر نشان داد؛ نخست، پکن به‌عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای پیشبرد گفت‌وگوهای صلح، میزبان نمایندگان دولت سوریه و نیروهای مخالف بود؛ دوم، در مارس ۲۰۱۶، چین یک فرستاده ویژه به نام ژو شیائویان را برای کمک به میانجی‌گری درگیری سوریه منصوب کرد؛ سوم، پکن از تلاش‌های میانجی‌گری فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد برای سوریه حمایت کرد و کمک‌های بشردوستانه‌ای برای تسکین درد و رنج مردم سوریه ارائه کرد. علاوه بر این، چین به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل از تصویب قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد که چهارچوبی برای پایان احتمالی بحران سوریه ارائه کرد، حمایت کرد. چین در نشست‌هایی درباره موضوع سوریه از جمله ژنو ۱ و ۲ در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ و وین ۲۰۱۵ ایفای نقش کرد. با این حال، ظاهراً چین برای جلوگیری از انحراف شدید از موضع عدم مداخله خود، هنوز به نقطه‌ای نرسیده بود که بخواهد یا بتواند مشارکت خود را تا حد اعزام ارتش خود برای جنگ در سوریه یا برای پیوستن به روسیه بفرستد. بنابراین، رویکرد دیپلماتیک پکن در بحران سوریه عمدتاً شامل دیپلماسی مدیریت درگیری بود. وانگ یی، وزیر امور خارجه سابق چین قاطعانه اعلام کرد که چین بخشی از هیچ ائتلافی علیه گروه‌های تروریستی در خاورمیانه نخواهد بود (Irish, 2016, pp.1-2). بنابراین چین مراقب بود که مداخله نکند یا مستقیماً بر امور داخلی سوریه تأثیر نگذارد. اگرچه چین از زمان آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱، شش قطعنامه شورای امنیت در مورد سوریه را وتو کرد؛ اما بارها تأکید کرد که راه‌حل سیاسی تنها راه‌حل مناقشه در سوریه است (BBC, 2017, pp.1-3). بنابراین چین تمایل خود را به‌عنوان میانجی در چهارچوب رویکرد مدیریت مناقشه در روند صلح سوریه نیز نشان داد؛ زیرا درک کرده بود که وضعیت شکننده در سوریه برای منافع اقتصادی و استراتژیک آن مطلوب نیست.

۳-۳. میانجی‌گری چین در روند صلح رژیم صهیونیستی و فلسطین

چین از دهه اول قرن بیست‌ویک تلاش‌های میانجی‌گری خود را در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین گسترش داد. چین به دنبال این بوده است که بخشی از فرایندهای اصلی در روند صلح خاورمیانه باشد تا ارزش‌ها و منافع خود را پیش ببرد. بنابراین چین تلاش کرده بدون سرمایه‌گذاری فشرده منابع سیاسی، اقتصادی و نظامی به این مهم دست یابد و درصدد بوده به بخشی از مذاکرات بین‌المللی در

مورد مسئله فلسطین تبدیل شود (Chaziza, 2013, pp. 161-165). در سال ۲۰۱۷، شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، یک پیشنهاد چهار ماده‌ای جدید برای صلح خاورمیانه را به‌عنوان بخشی از دیپلماسی مدیریت مناقشه چین مطرح کرد. پیشنهاد صلح جدید نشان‌دهنده تعامل چین با درگیری رژیم صهیونیستی و فلسطین است. این پیشنهاد خواستار پیشبرد حل و فصل سیاسی مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین بر اساس راه‌حل دو کشوری بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ بود. چهار ماده پیشنهادی عبارت بودند از: بیت‌المقدس شرقی به‌عنوان پایتخت کشور آینده فلسطین؛ حفظ یک مفهوم جامع همکاری و امنیت پایدار؛ افزایش هماهنگی و تقویت تلاش‌های هماهنگ برای صلح و ترویج صلح همراه با توسعه. به گفته گونگ شیائوشنگ، فرستاده ویژه چین برای خاورمیانه، فلسطین و رژیم صهیونیستی هر دو از پیشنهاد چهار ماده‌ای ارائه شده توسط رئیس‌جمهور شی جین پینگ، استقبال کردند و تمایل خود را برای تعامل با چین در روند صلح اعلام کردند (Keinon, 2017, pp. 2-4). علاوه بر این، در ژوئیه ۲۰۱۷، شی جین پینگ، طی دیدار با محمود عباس، رئیس‌تکلیلات خودگردان فلسطین، ایجاد سازوکار گفت‌وگوی سه‌جانبه بین رژیم صهیونیستی و فلسطینی را پیشنهاد کرد. پیشنهاد دیگر زمانی مطرح شد که بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مارس ۲۰۱۷ از چین دیدن کرد. طیب عبدالرحیم، دستیار محمود عباس، در مصاحبه‌ای خاطرنشان کرده بود که چین می‌تواند میانجی مناسبی باشد و نقش مهمی در توافق صلح آینده بین رژیم صهیونیستی و فلسطین ایفا کند (Evron, 2017, pp. 1-2). ابتکار پهنه و راه هم ممکن است چین را به سمت تبدیل شدن به یک میانجی‌گر صادق در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین سوق دهد. در مجموع رویکرد مدیریت تعارض به‌جای حل تعارض در چندین دهه گذشته مورد توجه مقام‌های چین بوده است.

۴. میانجی‌گری چین بین ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳

ابتکار پهنه و راه، ابتکار توسعه جهانی، ابتکار تمدن جهانی و ابتکار امنیت جهانی چین ظرفیت این کشور را برای ارتقای بینش حقوقی خود در جهان در حال توسعه افزایش می‌دهد زیرا چین اصلاح نظام جهانی را بر اساس اصول چندقطبی، چندفرهنگی و مسیرهای توسعه چندگانه پیشنهاد می‌کند (Cibork, 2023, pp. 85-86). به‌عنوان نمونه، چین تنها دو ماه پس از آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، ابتکار امنیت جهانی خود را رونمایی کرد. هم‌چنین در آوریل ۲۰۲۲،

شی جین پینگ، ابتکار امنیت جهانی را برای حمایت از گفت‌وگوی جهانی و تقویت همکاری در زمینه امنیت بین‌المللی اعلام کرد. حفظ امنیت جامع، احترام به حاکمیت دولت‌ها و عدم‌مداخله در امور داخلی از ارکان اصلی ابتکار امنیت جهانی است. ابتکار مذکور راهی برای تقویت روابط امنیتی چین با کشورهای مختلف جهان است. این امر مستلزم دخالت چین در امور امنیتی مناطق مختلف جهان برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌ها و شهروندان خود است. هم‌چنین در دسامبر ۲۰۲۲ یک نشست بین‌شی جین پینگ و مقامات کشورهای منطقه برگزار شد. در این دیدار، دو طرف در بیانیه مشترک تأکید کردند که قاطعانه از منافع اصلی یکدیگر حمایت خواهند کرد. علاوه بر این، در اولین اجلاس سران شورای همکاری خلیج‌فارس و چین در ۹ دسامبر ۲۰۲۲، شی در سخنرانی اصلی خود اظهار داشت، چین و شورای همکاری خلیج‌فارس باید برای همبستگی بیشتر شریک باشند، اعتماد متقابل سیاسی را بیشتر تحکیم کنند و قاطعانه از یکدیگر حمایت کنند. سفر ابراهیم رئیسی به پکن در فوریه ۲۰۲۳ انجام شد. شی جین پینگ در گفت‌وگو با رئیسی، حمایت چین از ایران را اعلام کرد و قول داد از حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و حیثیت ملی این کشور محافظت کند. در هردو تعامل شی، تأکید بر مسائل داخلی وجود داشت و این نشانه‌ای برای حل تنش‌های داخلی آن‌ها بدون هیچ‌گونه مداخله خارجی بود. برای چین، این میانجی‌گری کم‌خطر و با پاداش بالابود (Gallagher, 2023, p.1-3). بنابراین زمانی که میانجی‌گری چین بین ایران و عربستان سعودی برای احیای روابط دیپلماتیک به نتیجه رسید، پکن موفق شد اهمیت ابتکار امنیت جهانی خود را در عمل به جهان نشان دهد. توافق عربستان و ایران برای دیپلماسی پکن موفقیت مهمی بود. از طریق این توافق، چین توانست انسجام بین گفتار و کردار خود را در مسائل استراتژیک جهانی نشان دهد. موفقیت این توافق و پیوند آن با ابتکار امنیت جهانی نه‌تنها به این ابتکار اهمیت بیشتری داد، بلکه توجه بیشتری را به آن جلب کرد (Mitic, 2023, pp.273-275). متن قرارداد ایران و عربستان از دسترس خارج است و فقط یک بیانیه سه‌جانبه مشترک چین، عربستان و ایران در تاریخ ۱۰ مارس ۲۰۲۳ برای بررسی موجود است. برای چین، ایران در کنار عربستان و سایر کشورها یک حلقه مهم در ابتکار پهنه و راه است. بر اساس درک چینی‌ها از منطقه، ایران و عربستان «کشورهای محوری» هستند که قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی آن‌ها در منطقه موجب شده به شریک چین تبدیل شوند. با این حال، تفاوت در سطوح تجاری قابل توجه است. در حالی که تجارت چین و عربستان در سال ۲۰۲۱ به

۸۷ میلیارد دلار رسید که با ۵۷ میلیارد دلار واردات نفت چین از این کشور تقویت شد، تجارت دوجانبه ایران و چین در همان سال کمی بالاتر از ۱۶ میلیارد دلار بود. با این وجود، پکن به تهران و ریاض وضعیت شرکای استراتژیک جامع اعطا کرده است. در حالی که روابط اقتصادی بی‌تردید به نفع عربستان نامتعادل است، چین حمایت سیاسی و حیات مالی ایران را در برابر فشارهای آمریکا تضمین می‌کند تا موازنه در روابط خود با ایران و عربستان بر اساس استراتژی مدیریت ریسک خود برقرار کند و تصمیم رضایت بخشی برای ایران و عربستان در این زمینه اتخاذ کرده است. تلاش چین برای توافق ایران و عربستان یک برنامه برد - برد از ابتکار امنیت جهانی است که اخیراً مطرح شده است و نشانه واضحی است که چین قصد دارد از این موفقیت دیپلماتیک پرچم‌دار به‌عنوان سکوی پرتاب برای تقویت جایگاه خود در سطح جهان استفاده کند.

بنابراین در ۱۰ مارس، عربستان و ایران با میانجی‌گری چین بیانیه مشترک سه‌جانبه منتشر کردند که خبر از توافق بین عربستان و جمهوری اسلامی ایران و عادی‌سازی روابط دو کشور دادند. این بیانیه منعکس‌کننده مقاصد ازسری روابط دیپلماتیک و بازگشایی سفارت‌خانه آن‌ها در مدت حداکثر دو ماه و همچنین احترام به حاکمیت دولت‌ها و عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها بوده است. علاوه بر این، دو طرف همچنین بر اجرای دو موافقت‌نامه دوجانبه سابق موافقت کردند، موافقت‌نامه عمومی همکاری در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری، فناوری، علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان و موافقت‌نامه همکاری امنیتی که به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ منعقد شدند (Cafiero, 2023, p.2). در این راستا، توافق عربستان و ایران با در نظر گرفتن پکن در ردای یک «میانجی بین‌المللی»، سابقه جدیدی ایجاد می‌کند؛ اما در این مقطع، هنوز مشخص نیست که این توافق با میانجی‌گری پکن بین ریاض و تهران تا چه حد وجهه چین را به‌عنوان یک وزنه دیپلماتیک در خاورمیانه و جهان تقویت خواهد کرد. اگر این توافق دیپلماتیک بتواند به کاهش قابل توجه تنش بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها منجر شود؛ چین تمام دلایل لازم را خواهد داشت که با نفوذ دیپلماتیک خود در خاورمیانه قاطع‌تر و مطمئن‌تر عمل کند. در چنین شرایطی که توافق بین ریاض و تهران باعث کاهش تنش در خلیج فارس و فراتر از آن شود، چین می‌تواند نشان دهد که روابط متوازن خود با همه بازیگران منطقه را حفظ کرده است. اما خود چین اعتراف می‌کند که منابع کافی برای حل مناقشات بین‌المللی ندارد و بنابراین به مدیریت مناقشات بین‌المللی به‌جای حل

آن‌ها اکتفا می‌کند (Saab, 2023, pp. 1-2). در مجموع، اختلافات و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای چین را وادار می‌کند تا از منافع تجاری شهروندان، تأمین انرژی و دارایی‌های خود در خاورمیانه و مناطق دیگر جهان محافظت کند. بنابراین تصمیم رضایت‌بخش چین براساس استراتژی مدیریت ریسک این کشور اتخاذ شده است که هدف آن محافظت از منافع ملی در برابر خطرات آینده است. با توجه به این سؤال که چگونه چین موفق به انجام چنین کاری شد؟ کارشناسان چینی به هم‌زمانی چهار عامل اشاره کردند: ۱- روند طبیعی رویدادها که منجر به هم‌زمانی عینی نیازهای متقابل شد؛ ۲- نزدیکی چین به‌عنوان یک میانجی؛ ۳- از سال ۲۰۲۰، گرم شدن روابط اعراب و رژیم صهیونیستی وجود داشته و رژیم صهیونیستی روابط خود را با امارات و بحرین عادی کرده است؛ ۴- در سال ۲۰۲۱، بحرین، عربستان، امارات متحده عربی و مصر توافقنامه‌ای را برای بازگرداندن روابط دیپلماتیک با قطر امضا کردند که نشان‌دهنده آغاز بهار دیپلماتیک در خاورمیانه بود. متعاقباً، امارات و ترکیه اختلافات خود را کاهش دادند و امارات و ایران وارد گفت‌وگو شدند. بنابراین، آشتی میان عربستان و ایران را می‌توان به‌عنوان جلوه‌ای از «بهار دیپلماتیک» در منطقه دانست (Khatib, 2019, pp. 1-2). در واقع موازنه‌سازی و مدیریت ریسک چین در تعامل خود با کشورهای مختلف جهان و خودداری چین از همکاری با یک کشور و رهاکردن کشور دیگر، از سوی ایران و عربستان به‌خوبی درک شده است. وزارت امور خارجه چین گفته است؛ احیای روابط ایران و عربستان خبر خوب بزرگ در جهان آشفته کنونی و پیروزی برای گفت‌وگو و صلح است (Aljazeera, 2023, pp. 1-2). البته این توافق واکنش‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال داشته است. برخی از این توافق استقبال کرده‌اند که شاخص‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک امارات (Natasha, 2023, pp. 3-4)، بادر السیف، استادیار تاریخ دانشگاه کویت، امی هاثورن، معاون مدیر تحقیقات در پروژه دموکراسی خاورمیانه و پیمان اسدزاده، پژوهشگر ابتکار خاورمیانه (Analysis and opinions, 2023, p. 4).

برخی از صاحب‌نظران معتقدند میانجی‌گری چین بین عربستان و ایران از این جهت مهم است که بر هر دو طرف توافق نفوذ دارد و می‌تواند دو کشور را ترغیب کند توافق را اجرا کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آل یحیی همکار ابتکار خاورمیانه (Analysis and opinions, 2023: 5) و آرون دیوید میلر (Natasha, 2023, p. 4-5). هم‌چنین دولت بایدن علناً از برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین عربستان و ایران استقبال کرد و هیچ نگرانی آشکاری در مورد نقش پکن در نزدیک کردن این دو کشور

به یکدیگر ابراز نکرد. برخی صاحب‌نظران آمریکایی تلاش کردند موضع دولت آمریکا را تایید کنند که این توافق تهدیدی برای نقش آمریکا در منطقه نیست. برای مثال جوزف نای معتقد است، از نقش چین در میانجی‌گری تنش‌زدایی بین ایران و عربستان چندان نگران نیست. از نظر او چین بیشترین نفت موردنیاز خود را از خلیج فارس وارد می‌کند و آمریکا، تأمین‌کننده اصلی امنیت در منطقه باقی‌مانده است. از نظر او در آمریکا برد چین برابر با باخت آمریکا تلقی می‌شود؛ اما بازی با حاصل جمع غیرصفر می‌تواند بین آمریکا و چین رخ دهد.

برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقدند، هرچند چین با هدف ثبات در منطقه و برای تأمین منافع ملی خود میانجی‌گری را پذیرفت؛ اما تجربه آمریکا در خاورمیانه موجب می‌شود چین خود را درگیری‌های منطقه گرفتار نکند. برای مثال گرانت گلوب و ارنست می‌معتقدند، نزدیکی ایران و عربستان و توافق برای عادی‌سازی روابط دیپلماتیک گام مهمی است که در صورت تداوم می‌تواند سیاست بین‌المللی خاورمیانه را بازسازی کند. چین به دلیل نگرانی از این‌که مانند آمریکا در دهه‌های اخیر گرفتار شود، به دنبال درگیرکردن عمیق خود در سیاست خاورمیانه نیست (Analysis & opinions, 2023, p.3). همچنین استیفن والت معتقد است، نقش چین در میانجی‌گری و تنش‌زدایی بین ایران و عربستان نشان‌دهنده نقص دیرینه در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا است. چین روابط صمیمانه‌ای با کشورهای خاورمیانه دارد؛ در مقابل، آمریکا با برخی کشورها روابط ویژه داشته و با برخی دیگر (مانند ایران) هیچ رابطه‌ای ندارد (Walt, 2023, p.1).

نتیجه‌گیری

مداخله مداوم چین در مناقشات خاورمیانه و شمال آفریقا عمدتاً به حفظ صلح، مدیریت درگیری‌ها و جستجوی امنیت منطقه‌ای مربوط می‌شود. پکن مطمئناً توانایی مداخله را دارد؛ اما تمایلی برای درگیرشدن عمیق درگیری‌های نظامی در منطقه را ندارد و خود را به مشارکت در میانجی‌گری صلح چندجانبه محدود می‌کند. با این حال، میانجی‌گری چینی سبک منحصربه‌فردی دارد که به میزان قابل‌توجهی با جهان غرب یا روسیه متفاوت است؛ زیرا مؤثر و غیرتقابلی است. از این رو، مکانیسم ارجح برای حل و فصل اختلافات در خاورمیانه و شمال آفریقا است. چین ممکن است تنها میانجی باشد که می‌تواند تمام مخالفان را به پای میز مذاکره بکشاند؛ همانطور که در مورد افغانستان انجام داد. بنابراین، در حال حاضر، مشارکت آن در منطقه

عمدتاً اقتصادی است (امنیت انرژی و اجرای ابتکار کمربند و راه). اولین سند سیاست غربی چین اصل دیرینه عدم مداخله را تکرار می‌کند و تأکید می‌کند که تعاملات چین با منطقه تا حد زیادی به حوزه اقتصادی محدود می‌شود. رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ، در سخنرانی خود در مقر اتحادیه عرب در قاهره در ژانویه ۲۰۱۶، بر اصل عدم مداخله چین تأکید کرده و گفته است که کشورش به دنبال نیابت یا تلاش برای پُر کردن خلأ در خاورمیانه نیست؛ بلکه به دنبال ایجاد شبکه‌ای از مشارکت‌های متقابل سودمند است. در حالی که در گذشته چین تمایل داشت دیپلماسی میانجی‌گری خاورمیانه و شمال آفریقا را به دیگر اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد - یعنی ایالات متحده، روسیه یا قدرت‌های اروپایی - واگذار کند. اما اکنون در تلاش است بیشتر درگیر شود و نقش واسطه صلح در منطقه را بازی کند. پکن چنین نقشی را در حل مسئله دارفور در سودان ایفا کرده و در متقاعد کردن ایران برای موافقت با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نقش داشت. علاوه بر میانجی‌گری بین نمایندگان دولت و شورشیان در سودان، دولت چین در افغانستان، سوریه و یمن نیز نقش مهمی داشته است. در حال حاضر، ایالات متحده، روسیه و اتحادیه اروپا همچنان مهم‌ترین بازیگران فرامنطقه‌ای درگیری‌های خاورمیانه و شمال آفریقا هستند؛ در حالی که پکن هنوز یک بازیگر یا میانجی حاشیه‌ای و عمداً محتاط است. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برای چندین دهه در وضعیت هرج‌ومرج بوده است و هر سال که می‌گذرد موج جدیدی از بی‌ثباتی را به همراه دارد. واشنگتن و دیگر بازیگران قدرت اصلی، تاکنون نتوانسته‌اند صلح را در منطقه برقرار کنند. این امر عزم چین را برای ایفای نقش فعال‌تر تقویت می‌کند. تلاش‌های دیپلماتیک چین درگیری‌های سودان و سودان جنوبی، سوریه و روند بازسازی افغانستان نشان‌دهنده جاه‌طلبی این کشور برای ایفای نقش بیشتر در حل مناقشات بین‌المللی است.

اکثر محققان غربی معتقدند که فعالیت دیپلماتیک چین در موارد مذکور با اصل دیرینه عدم مداخله در امور داخلی چین مغایرت دارد و اصل عدم مداخله امروزه دیگر برای حفظ منافع برون‌مرزی این کشور مناسب نیست. با این حال، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این موضوع در جریان اصلی دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی چین وجود دارد. در رابطه با موضع چین در مورد اصل عدم مداخله، سؤال این نیست که آیا چین از این اصل صرف نظر می‌کند یا خیر، بلکه این است که چگونه این اصل را در عمل دیپلماتیک اعمال کند که جای بحث دارد. برای تطبیق این اصل با

مسئولیت بین‌المللی چین، دولت چین باید پیش‌شرط‌هایی را برای مشروعیت بخشیدن به مداخله خاص، مانند قوانینی که چین در عملیات حفظ صلح سازمان ملل از آن تبعیت کرده است، یعنی مجوز سازمان ملل، رضایت کشور مربوطه، و زور به‌عنوان آخرین اقدام تعیین کند. علاوه بر این، اصل عدم‌مداخله صرفاً یکی از اصول متعدد سیاست خارجی چین است و در همه موارد به‌عنوان اصل کلیدی باقی نمی‌ماند. این مقاله نشان داد که میانجی‌گری دیپلماتیک چین ممکن است با تعریف دقیق عدم‌مداخله در تضاد باشد؛ اما دولت چین هرگز علناً اعلام نخواهد کرد که اصل عدم‌مداخله را کنار گذاشته است. با توجه به عوامل سازمانی و شناختی و همچنین نامشخص بودن چشم‌انداز، عدم‌مداخله همچنان به‌عنوان یکی از دستورات عمل‌های مهم چین باقی خواهد ماند. گسترش سریع سرمایه‌گذاری‌های تجاری، دارایی‌های اقتصادی و تأمین انرژی چین از منابع خارج از کشور، برخی از منافع اصلی پکن را تشکیل می‌دهند که به‌طور فزاینده‌ای مبرم و ملموس می‌شوند؛ زیرا با نیازهای تداوم مدرن‌سازی داخلی مربوط می‌شوند. هنگامی که این منافع به خطر می‌افتد، چین منابع دیپلماتیک و دیپلماسی اقتصادی خود را برای دفاع و تعقیب منافع تجاری، سیاسی و دیپلماتیک خود جمع‌آوری می‌کند. خاورمیانه به تدریج و ناگزیر به نقطه همگرایی و بخش مهم ابتکار پهنه و راه چین تبدیل شده است. با این وجود، مناقشات خاورمیانه نشان‌دهنده مشکلات شدید منطقه‌ای با عواقب جهانی است. از این رو، چین شروع به مشارکت، هرچند محتاطانه، در تأمین انرژی خود کرده است؛ در حالی که به‌طور محتاطانه نفوذ سیاسی منطقه‌ای خود را گسترش می‌دهد. دخالت پکن درگیری‌های خاورمیانه درجه‌ای از بی‌طرفی را حفظ می‌کند. در واقع، خود رهبران چین اعتراف می‌کنند که این کشور قادر به تخصیص منابع قابل‌توجه برای مقابله با مشکلات پیچیده خاورمیانه نیستند.

حل این اختلافات به‌منظور حفظ منافع در حال گسترش خود در خارج از کشور انجام می‌شود. رویکرد دیپلماسی اقتصادی چین در خاورمیانه در چهار سطح عمل می‌کند: حفاظت از شهروندان و سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه اقتصادی و کمک‌های اقتصادی، اقدامات تنبیهی و مشوق‌های اقتصادی و ایجاد یا اجرای زیرساخت‌های با کاربری دوگانه. این رویکرد که با انعطاف‌پذیری شدید و عمل‌گرایی مشخص می‌شود، توسط دو عامل اداره می‌شود. نخست، اختلافات منطقه‌ای و بی‌ثباتی، پکن را وادار می‌کند تا درگیری‌های محلی مداخله دیپلماتیک کند تا از منافع تجاری، شهروندان، تأمین انرژی و دارایی‌های خود محافظت کند. دوم، دیپلماسی چین در مناطق

درگیری خاورمیانه از ابزارهای تجاری و ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف خود و تسهیل تلاش‌های خود برای حل مناقشات استفاده می‌کند. این رویکرد تصویر آن را به‌عنوان یک قدرت بزرگ قابل اعتماد درگیر در حل مناقشه و ایجاد صلح تقویت می‌کند و می‌تواند وجهه بین‌المللی آن را تقویت کند و در نتیجه قدرت نرم چین را افزایش دهد. با این وجود، تعامل چین در خاورمیانه نسبتاً جدید است و اخیراً به بخشی از اولویت‌های دیپلماتیک عمومی چین تبدیل شده است که بسیار عقب‌تر از روابط چین با قدرت‌های بزرگ و حتی پس از سایر مناطق (مانند آفریقای جنوب صحرا و آمریکای لاتین) قرار می‌گیرد. بنابراین، منابع دیپلماتیک اقتصادی که پکن به دیپلماسی خود در خاورمیانه اختصاص داده است، هنوز کاملاً محدود است. در مورد ایران و عربستان، یک چهارچوب گفت‌وگوی از پیش تعیین شده به دخالت دیر هنگام چین کمک کرد. عراق و عمان بسیاری از کارهای اساسی را قبل از ورود پکن انجام داده بودند. مهم‌تر از همه، با توجه به خلأ قدرت در منطقه، ایران و عربستان سعودی هر دو مایل بودند با یکدیگر به توافق برسند. چین بازیگر جدیدی در میانجی‌گری در مناقشه خاورمیانه است. از سودان تا سوریه، چین به آرامی یاد گرفته است که از «مشارکت خلاقانه» برای تضمین نتایج مطلوب خود استفاده کند. این رویکرد پکن را قادر ساخته است که از اشکال انتخابی «مشارکت خلاق» برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند و رفتار کشورهای درگیر در هنگام منحرف شدن از مسیر مورد نظر، همانطور که در سوریه و سودان مشاهده شد، دوباره تنظیم کند. با این حال، مشارکت خلاقانه چین یک مفهوم در حال تحول است. مبارزات چین در لیبی در نهایت میانجی‌گری قوی‌تر و جامع‌تر این کشور در سوریه را به دنبال داشت. در همین حال، حتی بدترین پیامدهایی که پکن با آن مواجه شد - تخلیه گسترده شهروندان در لیبی - به نقطه عطف مهمی در منحنی یادگیری چین تبدیل شد و مسیر مدرنیزاسیون نظامی و تعامل طولانی‌مدت آن در خاورمیانه را تعیین کرد. هرچقدر چین به توانایی‌های میانجی‌گری خود اعتماد بیشتری پیدا می‌کند، دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا ممکن است رویکرد پکن را در تعقیب منافع خود در طیف وسیعی از هرم‌ها، از جمله تعامل اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و بین‌المللی قاطع‌تر مشاهده کنند. با تلاش ایالات متحده برای چرخش به سمت آسیا، بسیاری از کشورهای منطقه به دنبال کشورهای دیگر خواهند بود تا خلأ میانجی‌گری را که ایالات متحده پشت سر می‌گذارد، پُر کنند.

فهرست منابع

- جعفری، علی‌اکبر؛ فلاح، مهرداد (۱۴۰۲)، *هژمونی منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی و موازنه تهدید با روسیه*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۵(۱)، ۱۹۵-۲۲۶.
doi: 10.22034/FR.2023.382591.1345
- نوروزی، حسین؛ سوری، سرور (۱۴۰۲)، *جنگ اوکراین و الگوهای وابستگی متقابل در روابط چین با روسیه و آمریکا*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۵(۱)، ۸۵-۱۲۰.
doi:10.22034/FR.2023.369285.1322

References

- Alterman, Jon B, (2013) "China's Balancing Act in the Gulf", Washington, DC, Center for Strategic and International Studies, <https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/>
- Alzaroon,Najla(2023) "The application of the global security initiative:China's mediation diplomacy in the gulf", https://www.researchgate.net/profile/Chaoting_Cheng/publicatio
- Alijoyo, Antonius,(2021)"A Risk Management and Decision.Making Theory," <https://crmsindonesia.org/publications/risk->
- Anna, Brown(2023)"What Does the Saudi-Iran Deal Mean for the Middle East?" The Washington Institute for Near East,<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/>
- Aljazeera(2023/3/10)"Iran, Saudi Arabia agree to resume ties: World reacts", <https://www.aljazeera.com/news/>
- Atlantic Council experts (2023)"Experts react: Iran and Saudi Arabia just agreed to restore relations, with help from China. Here's what that means for the Middle East and the world", <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new->
- Brown K (2015) "The security implications of China's Belt and Road. The Diplomat", [https://the diplomat.com/](https://the-diplomat.com/)
<https://thediplomat.com/2015/11/the-security->
- BBC, (2017) 'Syria War: Russia and China Veto Sanctions', <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-39116854>
- Brown CK (2018) China's dream: the culture of Chinese Communism and the secret sources of its power. Polity Press, Cambridge,<https://www.amazon.com/Chinas-Dream-Culture-Chinese-Communism/dp/1509524568>
- Ciorciari,John and Haacke,Jürgen(2019) Hedging in international relations: an introduction, <https://academic.oup.com/irap/article-abstract/19/3/367/5563899>
- Cafiero, Giorgio(2023)'Filling the peacemaker vacuum': How China brokered the Saudi-Iran deal, <https://www.newarab.com/analysis/how-china-emerged->
- Campitelli, Guillermo; Gobet, Fernand (2010)"Herbert Simon's Decision-Making Approach: Investigation of Cognitive Processes in experts", Review of General Psychology. 14 (4): doi:10.1037/a0021256. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1037/a0021256>
- Christopher, Mitchell(1988) 'The Motives for Mediation', New Approaches to International Mediation, New York, Greenwood Press, <https://www.bloomsbury.com/us/new-approaches-to-international-/>
- Chéné,Hugo(2017) "China in Afghanistan Balancing Power Projection and Minimal Intervention", Institute of Peace and Conflict Studies, IPCS Special Report 179,http://www.ipcs.org/pdf_
- Chaziza, Mordechai(2013) "China's Policy on the Middle East Peace Process after the Cold War", China Report, 49(1), <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0009445513479460>

- Ciborek, Przemysław(2023)“China’s global initiatives:challenges and prospects”
- New Chinese Initiatives for a Changing Global Security, https://www.researchgate.net/profile/Chaoting_Cheng/publicatio
- CRI, (2017) ‘China to Help Afghanistan Develop through Commercial Co-ops’, [http:// english.cri.cn/12394/](http://english.cri.cn/12394/)
- Chaziza Mordechai, (2018)“China’s Approach to Mediation in the Middle East: Between Conflict Resolution and Conflict Management” <https://www.mei.edu/https://www.mei.edu/publications/chinas->
- Democracy Now (2023/3/13)“China’s Middle East Deal: Iran & Saudi Arabia Reestablish Relations as U.S. Watches from Sidelines” https://www.democracynow.org/2023/3/13/iran_saudi_arabia
- Evron, Yoram(2017) “China’s Diplomatic Initiatives in the Middle East: The Quest for a Great-Power Role in the Region”, *International Relations*, 31(2), <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0047117815619664>
- Evron, Yoram (2017) “China Has a New Middle East Peace Plan”, <https://thediplomat.com/2017/08/china->
- Gallagher; Adam, Hamasaeed Sarhang and Nada, Garrett (2023)“What You Need to Know About China’s Saudi-Iran Deal” <https://www.usip.org/publications/2023/03/what-you>
- -Garver, John W (2011)“Is China Playing a Dual Game in Iran?”[https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/)
- Garlick J, Havlová R (2021)“The dragon dithers: assessing the cautious implementation of China’s belt and road initiative in Iran”, *Eurasian Geogr Econ* 62(4), <https://link.springer.com/article/10.1007/s41111-016-0010>
- Gerstl A (2022) “Hedging strategies in Southeast Asia: ASEAN, Malaysia, the Philippines, and Malaysia and their Relations with China”, Routledge, Abingdon, [https://www.routledge.com/Hedging-](https://www.routledge.com/Hedging-Strategies-in-Southeast-)
- Gulliver, Philip H., (1979)“Disputes and Negotiations: Cross-Cultural Perspectives”, New York, Academic Press,
- House, Karen Elliott (2023)“Behind China’s Mideastern Diplomacy”, <https://www.wsj.com/articles/behind-chinas-mideastern->
- Haghirian Mehran, and Scita, Jacopo, (2023)“The Broader Context Behind China’s Mediation Between Iran and Saudi Arabia,” <https://thediplomat.com/2023/03/the-broader-context-behind->
- Hille, Kathrin (2023)“China casts itself as Middle East peacemaker with global ambition” <https://www.ft.com/content/9d832121-022b->
- Hayes A (2022) “Short selling: what is shorting stocks with pros, cons, and examples,” Investopedia. <https://www.investopedia.com/terms/s/shortselling.asp>
- Irish, John(2016) ‘China Rules Out Joining Anti-Terrorism Coalitions, Says Helping Iraq’, Reuters, [http://www.reuters.com/article/us-](http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-china-)

- Jin, Wang(2015) “The US Withdrawal and One Belt One Road: Chinese Concerns and Challenges in Afghanistan”, Strategic Assessment, 19(3),<https://www.inss.org.il/publication/the-us-withdrawal-a>
- Janardhan,N(2015)”China’s middle east conundrum and prospects for collective security” <https://pure.diis.dk/ws/files/650303/>
- Jash,AmritaDate (2023) “Saudi-Iran Deal: A Test Case of China’s Role as an International Mediator”<https://gjia.georgetown.edu/>
<https://gjia.georgetown.edu/2023/06/23/saudi-iran->
- Khatib, Dania Koleilat (2019) US sanctions bringing China and Iran together”, Arab News,<https://www.arabnews.com/node/1553431./amp>
- Keinon, Herb(2017) “China Pushing its Four-Point Peace Plan”, Jerusalem Post,” <http://www.jpost.com/Arab-Israeli-Conflict/China->
- Lanteigne, Marc(2015)”China’s diplomacy in the gulf region: energy and security”,<https://www.google.com/search?q=CHINA%E2%80%99S>
- Mitic, Aleksandar (2023)”The strategic communication of china’s global security initiative” New Chinese Initiatives for a Changing Global Security,
https://www.researchgate.net/profile/Chaoting_Cheng/publicatio
- MacGillivray I (2019)“Maturing Sino-Saudi strategic relations and changing dynamics in the Gulf”Global Change”, Peace Secure 31(1), <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/14781158.2018.1475350>
- Mansour,Imad (2015) “Can china be a pillar of GCC security?” https://www.academia.edu/28959974/Can_
- Natasha,Turak (2003)”The China-brokered Saudi-Iran deal has big repercussions for the Middle East and the U.S.”<https://www.cnbc.com/2023/03/15/does-chinas-role->
- Pasi,Trita (2023)”How China Became a Peacemaker in the Middle East”, <https://quincyinst.org/2023/03/15/how-china->
- Roy, D (2005)“Southeast Asia and China: balancing or bandwagoning?”Contemp Southeast Asia 27(2),<https://www.jstor.org/stable/25798738>
- Roehrich, J. K., Grosvold, J., & Hoejmoose, S. U. (2014). Reputational Risks and Sustainable Supply Chain Management. International Journal of Operations and Product Management, 34(5) <https://doi.org/10.1108/IJOPM-10-2012-0449>
- Salesio, Schiavi Francesco(2023)” Is China’s Iran-Saudi Deal a Step Towards Peace in the Middle East?”<https://www.ispionline.it/>
<https://www.ispionline.it/en/publication/is-chinas-iran-saudi-deal->
- Simon, H. A. (1955)”A behavioral model of rational choice. Quarterly Journal of Economics”, <https://www.jstor.org/stable/1884852>
- Simon, H. A. (1956)”Rational choice and the structure of the environment,” Psychological Review,
<https://pages.ucsd.edu/~mckenzie/Simon1956PsychReview.pdf>
- Saab,Bilal. (2023)”Why the Saudi-Iran deal changes little in regional security” <https://www.arabnews.com/node/2270596>
- Scobell, Andrew and Nader, Alireza (2016)”China in the Middle East: The Wary Dragon, RAND Corporation, Santa Monica, CA, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1229.html

- Sobelman, Daniel (2023) "Saudi-Iranian Agreement is a Positive Development, but Not a Game-changer" <https://gulif.org/the-iran-saudi-agreement-is-not-a-game-changer>
- Schrand C, Unal H (1998) "Hedging and coordinated risk management: evidence from thrift conversions" *J Financ* 53(3), <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/0022-1082.00041>
- Small, A (2018) "Choosing not to choose: the Belt and Road Initiative and the Middle East", *China and the Middle East*. Oxford University Press, <https://cms.law/en/media/international/images/publications/>
- Szczudlik-Tatar, Justyna (2017) "China's Evolving Stance on Afghanistan: Towards More Robust Diplomacy with "Chinese Characteristics", PISM Strategic File, https://www.pism.pl/files/?id_plik
- Sent, Esther-Mirjam (October 31, 2017). "Rationality and bounded rationality: you can't have one without the other". *The European Journal of the History of Economic Thought*. 25 (6), <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09672567>.
- Scobell A, Nader A (2016) "China in the Middle East: the wary dragon. RAND Corporation", Santa Monica, CA, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1229.html
- Touval, Saadia (2003) 'Mediation and Foreign Policy', *International Studies Review*, 5(4) <https://www.jstor.org/stable/3186396>
- Tessman, Brock F. (2012) "System Structure and State Strategy: Adding Hedging to the Menu" <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09636412.2012.679203>
- Wheeler, Gregory (2020), "Bounded Rationality", in Zalta, Edward N. (ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, <https://plato.stanford.edu/entries/bounded-rationality/>
- Walt, Stephen, M. (2023) "Saudi-Iranian Détente Is a Wake-Up Call for America" <https://foreignpolicy.com/2023/03/14>
- Xiaohui, Wu and Qian, Cheng (2009) 'The Art of China's Mediation during the Nuclear Crisis on the Korean Peninsula', *Asian Affairs*, 36(2), <https://www.jstor.org/stable/27748555#:~:text=To%2>
- Xiangyu, Zeng (2011) "Afghanistan and Regional Security: Implications for China", *Policy Perspectives*, 8(2), <https://www.jstor.org/stable/42909288>
- Yi, 'Wang (2015) "Addressing the Issue of Afghanistan Requires Reinforced Support in Four Aspects", http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/
- Yitzhak, Shichor, (1989) "East Wind over Arabia: Origins and Implications of the Sino-Saudi Missile" <https://digitalassets.lib.berkeley.edu/>
- Zhaoxing, Li, (2005) "Peace, Development and Cooperation-Banner for China's Diplomacy in the New Era", *Chinese Journal of International Law*, 4(2), <https://academic.oup.com/chinesejil/article-abstract/4/2/677/490073>

- Zhang, Jia (2015) "China-middle east relations: New challenges and new approaches", <https://pure.diiis.dk/ws/files/650303/China>.